



دیپلماسی

مروری بر ۴ فصل نخست

مرکز مطالعات عالی بین المللی
دانشکده حقوق و علوم سیاسی
دانشگاه تهران

اردیبهشت ۱۴۰۵



آغاز روابط بین الملل

تاریخ روابط بین الملل

- جنگ های سی ساله مذهبی (۱۶۱۸-۱۶۴۸)
- قرارداد وستفالی (۱۶۴۸)
- کنگره وین (۱۸۱۵)
- کنفرانس صلح پاریس، کنفرانس ورسای و جامعه ملل (۱۹۱۹)
- ملل متحد (۱۹۴۵)

سردمداران قرون

- ریشیلو (فرانسه) قرن هفدهم - دولت ملت و منافع ملی
- بریتانیا قرن هجدهم - موازنه قوا
- مترنیک (اطریش) قرن نوزدهم - کنسرت اروپایی
- ویلسون و دیگران (امریکا) قرن بیستم - ارزشهای امریکایی

آمریکا: دو سنت موازی

- انزواگرایی
- مداخله لیبرال

وودرو ویلسون - ورود امریکا به معادلات بین المللی - بیانیه ویلسون - ژئوپلتیک امریکا



نظم اروپایی

نظام اروپایی: توازن قوا

- یا یک کشور هژمون می شود و یا هیچ کشوری قدرت کافی نخواهد داشت؛
- اتحاد در برابر قوی ترین؛
- ناشی از تاریخ و جغرافیای اروپا؛
- ناشی از ۱۵۰ سال جنگ؛
- بیشتر به دنبال ثبات و اعتدال است تا صلح.

بازیگران اصلی:

- روسیه
- بریتانیا
- اطریش
- فرانسه
- پروس؟

فکر اولیه: توازن قوا طبیعی است.
دست پنهان (آدام اسمیت)
اصل تفکیک قوا (مونتسکیو)



آمریکا

خروج امریکا از انزوا در ابتدای قرن بیستم:

1. قدرت رو به افزایش
2. فروپاشی نظام بین المللی حاکم در اروپا و شکاف اصلی بریتانیا - فرانسه (ناپلئون و جنگ هایش از پی انقلاب همزمان فرانسه و امریکا)

ورود ویلسونی: ارزش های امریکایی، صلح لیبرالی، حضور مسیحایی؛

- ضعف نظام بین الملل به علت تردید اروپایی در کشورداری است.
- گسترش ارزش های امریکایی در عمل
- سیاست رو به آینده
- همکاری به جای رقابت بدبینانه
- ژئوپلتیک امریکایی
- دکترین مونروئه (۱۸۲۳) - جنگ برای نیمکره غربی و جدایی از اروپا (خرید لویزیانا، تگزاس، آلاسکا...)
- دکترین مونروئه مقدمه ورود ویلسونی



منازعه ویلسون و تئودور روزولت برای انتخاب دوم ویلسون: امریکای میانجی و داور یا امریکای بازیگر؟ اتهام متقابل بازگشت به انزوآگرایی

ویلسون:

1. ماموریت ویژه امریکا فراتر از دیپلماسی روزمره است و آن را وامی دارد تا به عنوان یک راهنمای آزادی بر سایر بشریت باشد؛
2. سیاست های خارجی دموکراسی ها از نظر اخلاقی برتر هستند زیرا مردم ذاتاً دوستدار صلحند؛
3. سیاست خارجی باید انعکاس استانداردهای اخلاقی نظیر اصول اخلاقی فردی باشد؛
4. دولت حق ندارد که مدعی اصول اخلاقی مجزایی برای خود باشد.



از جهانشمولی تا توازن: ریشلیو، ویلیام اورنج و پیت

دیپلماسی - از جهانشمولی تا توازن: ریشلیو، ویلیام اورنج و پیت



از جهانشمولی تا توازن: ریشیلیو، ویلیام اورنج و پیت

نظام اروپایی موازنه قوا

سودار اروپای واحد و نه متحد

کلیسا و امپراتوری ها



از جهانشمولی تا توازن: ریشیلیو، ویلیام اورنج و پیت

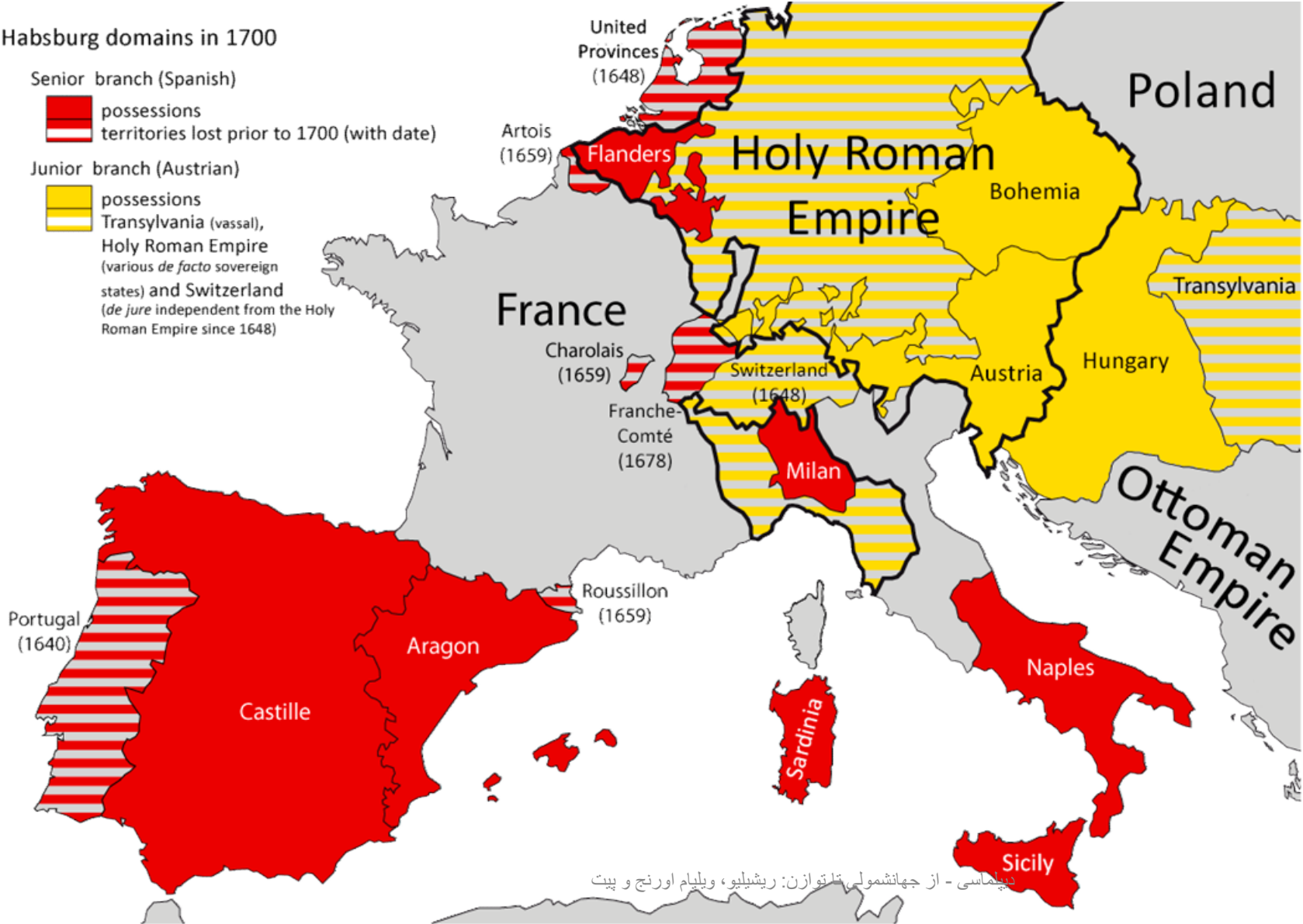
امپراتور مقدس روم: حاکمیت های آلمان و شمال ایتالیا، اتریش، جمهوری
چک، اسلواک، مجارستان، شرق فرانسه، بلژیک و هلند

فرانسه، انگلستان، روسیه



Habsburg domains in 1700

- Senior branch (Spanish)
 - possessions
 - territories lost prior to 1700 (with date)
- Junior branch (Austrian)
 - possessions
 - Transylvania (vassal), Holy Roman Empire (various *de facto* sovereign states) and Switzerland (*de jure* independent from the Holy Roman Empire since 1648)



دپلماتی - از جهانشمولی تا توازن: ریشلیو، ویلیام اورنج و پیت



از جهانشمولی تا توازن: ریشیلیو، ویلیام اورنج و پیت

سوال اصلی:

امپراتور نماینده خداست؟

از بین رفتن اتحاد

تنظیم رابطه کشورهای جدید اروپایی

اصل تازه برای سرپیچی از کلیسا: مصلحت ملی

منافع ملی: جایگزین تصور قرون وسطی از جهانی شدن اخلاق



مصلحت نظام



Armand Jean du Plessis, 1st Duke of Richelieu
1624

Ferdinand II

Holy Roman Emperor, King of Bohemia, Hungary, and Croatia from 1619
until his death in 1637

دیپلماسی - از جهانشمولی تا توازن: ریشلیو، ویلیام اورنج و پیت



از جهانشمولی تا توازن: ریشیلیو، ویلیام اورنج و پیت

سرزمین های هابسبورگ فرانسه را محصور کرده بودند.

حاکمان هابسبورگ مردان عقیده بودند.

“با آنهایی که به دنبال سیاست های دروغین و فاسد هستند نمی توان سر و کار داشت زیرا که آنها کذب و استفاده نادرست از خدا و مذهب را پیش رو گرفته اند.”

“من ترجیح می دهم بمیرم تا اینکه به فرقه های مختلف در مسائل مذهبی امتیازی بدهم.”



از جهانشمولی تا توازن: ریشیلیو، ویلیام اورنج و پیت

- از نظر ریشیلیو:
- مذهب فردیناند یک چالش استراتژیک بود؛
- بشر جاودانی است و رستگاری وی ورای این زندگی مادی است؛
- اما دولت ها جاودانی نیستند پس رستگاری آنها در این جهان است و نه در دنیای دیگر.



از جهانشمولی تا توازن: ریشیلیو، ویلیام اورنج و پیت

- فردیناند عزم خود را جزم کرد که ارتداد پروتستان ها را از صفحه روزگار محو کند
- حکم اعاده: تمام سرزمین هایی که از ۱۵۵۵ از کلیسا گرفته شده برگردانند.

- مشکل اساسی: تعصب مذهبی و عقیدتی
- سیاست خارجی بدون تعصب و بدون دستورات اخلاقی

- حمایت مالی و تطمیع متخاصمان و طولانی تر کردن جنگ به منظور فرسایش هابسبورگ (۱۲۰)



از جهانشمولی تا توازن: ریشیلیو، ویلیام اورنج و پیت

با پایان جنگ های سی ساله مذهبی، تز مصلحت کشور به صورت رهنمود اساسی دیپلماسی اروپا در آمد. (۱۲۴)
استقلال آلمان دو قرن به عقب افتاد.
امپراتور مقدس به ۳۰۰ پادشاهی تقسیم شد که هر کدام یک سیاست خارجی مستقل داشتند.



از جهانشمولی تا توازن: ریشیلیو، ویلیام اورنج و پیت

تبدیل مصلحت و منافع گرایی به عکس خود:

احساس قدرت، کشورگشایی بدون حد یقف، طمع، احساس خطر دیگران، اتحاد دیگران (۱۲۵)

با این حال:

۲۰۰ سال پس از ریشیلیو، فرانسه همچنان با نفوذترین کشور اروپایی ماند.
نظام موازنه قوای اروپا حاصل تلاش در راستای مهار فرانسه بود.

ایده اتحادیه اروپایی که در واقع بیشتر در امریکا موفق بود (۱۲۸)

همه پادشاهان خود را قانع می کردند که قوت گرفتنشان کمک به صلح است.

دیپلماسی - از جهانشمولی تا توازن: ریشیلیو، ویلیام اورنج و پیت



از جهانشمولی تا توازن: ریشیلیو، ویلیام اورنج و پیت

- توازن قوا نه از روی خویشتنداری بلکه از روی اینکه هیچ کشوری نتواند خواسته های خود را تحمیل کند، حتی امپراطوری.
- منافع شخصی و مانع شدن از جاه طلبی دیگران موثر بود و نه اخلاق یا نظریه های روابط بین الملل



از جهانشمولی تا توازن: ریشیلیو، ویلیام اورنج و پیت

انگلستان: balancer

- انقلاب ۱۶۸۸ بریتانیا
- رودرویی با فرانسه
- ازدواج ویلیام اورنج و ماری دختر شاه مخلوع بریتانیا
- جنگ با فرانسه بر سر بلژیک
- ویلیام علیه لویی چهاردهم وارد عمل شد.
- صلح در اروپا لازمه کامیابی در جزیره تجاری بریتانیا بود. (۱۳۵) (۱۴۱)

دیپلماسی

کنسرت اروپایی: بریتانیای کبیر، اتریش و روسیه





دیپلماسی

کنسرت اروپایی: بریتانیای کبیر، اتریش و روسیه



✓ اتریش: شاهزاده فن مترنیک

✓ پروس: شاهزاده فن هاردنبرگ

✓ فرانسه: تالیران

✓ روسیه: تزار الکساندر

✓ بریتانیا: لرد کاستلره



دیپلماسی

کنسرت اروپایی: بریتانیای کبیر، اتریش و روسیه

کنگره وین: طولانی ترین صلح اروپا

• ۴۰ سال تا ۱۸۵۲

• تا شصت سال از ۱۸۵۴

ابتکار مترنیخ:

بر اساس موازنه قوا
در عین حال کمترین اتکا به قدرت

- موازنه قوا فرصت استفاده از قدرت را کاهش می دهد
- عدالت، میل استفاده از قدرت را می کاهش دهد



دیپلماسی

کنسرت اروپایی: بریتانیای کبیر، اتریش و روسیه

ایده خودمختاری ملی هنوز ایجاد نشده بود؛

ضد تبار: تشکیل کشورهای دارای نژاد یکسان از سرزمین‌هایی که از ناپلئون بازپس گرفته شده است، مورد بررسی قرار نگرفت:

اتریش دست از تلاش برای تسلط بر همه آلمان برداشت؛
در ۱۸۰۶ بقایای امپراتوری مقدس روم منسوخ شد؛

اما اتریش هنوز خود را پیشقراول می‌داند و رهبر معنوی.

ایده معنا‌گرایی مترنخ نضج می‌گیرد.

✓ اتریش در ایتالیا قدرت یافت؛

✓ پروس در آلمان به تقویت خود پرداخت؛

✓ فرانسه می‌بایست کلیه فتوحاتش را رها کرده و به مرزهای قدیمی قبل از

انقلاب باز می‌گشت؛

✓ روسیه مناطق حیاتی لهستان را تصاحب کرد.



دیپلماسی

کنسرت اروپایی: بریتانیای کبیر، اتریش و روسیه

ریشیلیو و آلمان: اگر آلمان به کلی تحت یک پادشاهی قرار گیرد، موجب وحشت همه کشورهای دیگر خواهد شد.

- ❖ رقابت فرانسه با آلمان هنوز تشکیل نشده: امنیتی سازی آلمان
- ❖ وحشت آفرینی آلمان در اروپا

ریشیلیو اروپای مرکز ضعیف و تجزیه شده ای را به وجود آورده بود که در فرانسه وسوسه پایدار تجاوز و مبدل ساختن آن به تفریگاهی برای ارتش فرانسه را ایجاد می کرد. این تلاش های ۱۶۰۰ ریشیلیو می بایست حالا خنثی می شد.



دیپلماسی

کنسرت اروپایی: بریتانیای کبیر، اتریش و روسیه

اتریش و پروس: ایالت های مهم
ایالت های بزرگ نظیر باواریا و ساکسونی و وورتمبرگ

۳۰۰ ایالت مجزا که قبل از دوره ناپلئون با یکدیگر ترکیب شده و حدود ۳۰ ایالت را با هویت جدید
کنفدراسیون آلمان تشکیل دادند.

کنفدراسیون آلمان قدرتمند تر از آن بود که مورد تهاجم فرانسه قرار گیرد و ضعیف تر از آن که
همسایگانش را مورد تهدید قرار دهد.

(تشکیل نهایی در ۱۸۷۱ است)



دیپلماسی

کنسرت اروپایی: بریتانیای کبیر، اتریش و روسیه

بعد از کنگره وین:

بخشندگی در مورد فرانسه (و نه بازنده جنگ در جنگ دوم جهانی) الگوی اروپایی تکرار شده بود.

راهبرد بریتانیا:

- ✓ صلح دوفاکتور،
- ✓ استقلال عمل و رای،
- ✓ عدم حضور در هرگونه ترتیبات اروپایی،
- ✓ ضدیت با هرگونه دولت اروپایی



دیپلماسی

کنسرت اروپایی: بریتانیای کبیر، اتریش و روسیه

بازدارندگی؟

اگر حداقل قدرت بازدارنده، با حداکثر قدرت متجاوز برابری می کرد (صلح ریاضی) توازنی واقعی برقرار می شد اما وضعیت واقعی تنها موازنه ای را می پذیرد که ساختگی و مشروط بود تا بتواند تا زمانی پایدار بماند که روح میانه روی و عدالت در کشورهای بزرگ و خاص دمیده شود.

بازدارندگی نظامی ممکن است صلح آفرین باشد؟ این روح میانه روی در دشمنان نیست.



دیپلماسی

کنسرت اروپایی: بریتانیای کبیر، اتریش و روسیه

موازنه قوا

احساس مشروعیت مشترک

کنگره وین: دو سند

1. اتحاد مربع: بریتانیا، پروس، اتریش، روسیه (توازن قوا: جلوگیری از هرگونه حمله فرانسه – قدرتی سرسخت، متجاوز و ذاتاً ثبات زدا)
 2. اتحاد مقدس: پروس، اتریش و روسیه (ارزش های مشترک معنوی و مذهبی) به ابتکار مترنیخ، هدف و ماموریت مشترک، مذهب نبود بلکه حفظ وضعیت اروپا بود.
- اصطلاح کنسرت اروپایی تلویحا به این معنی بود که کشورهایایی که در یک سطح رقابت می کردند به توافق در مورد موضوعات پرداخته و با اجماع خود بر ثبات کلی اثر بگذارند.



دیپلماسی

کنسرت اروپایی: بریتانیای کبیر، اتریش و روسیه

مقایسه مترنیخ و ویلسون

ویلسون دموکراسی را صلح دوست معقول می دانست. اما مترنیخ آن را خطرناک و غیرقابل ارجاع. نه آزادی که صلح مبنای مشروعیت ذهنی مترنیخ بود که می بایست مبنای مشروعیت داخلی و نظام بین المللی قرار می گرفت.

ارزش های جدید در مقابل ارزش های قدیمی.

باگ های تاریخی دموکراسی: انقلاب فرانسه و انتخاب حزب نازی در آلمان. مترنیخ بر خلاف بریتانیا بر فتح قلوب و اذهان تأکید داشت و نزدیک شدن و بستن ابتکار عمل دشمن.



دیپلماسی

کنسرت اروپایی: بریتانیای کبیر، اتریش و روسیه

سیاست موازنه مترنخ بین روسیه و بریتانیا:

اتحاد در اروپا موجب می شد بریتانیا فاصله بگیرد و در نتیجه اتریش بیشتر به روسیه وابسته می شد.

نظام کنگره ای اروپایی < ورود فرانسه < خروج بریتانیا



R: 162,

دیپلماسی

کنسرت اروپایی: بریتانیای کبیر، اتریش و روسیه

جو عمومی بریتانیا مخالف اروپای متحد بود: فاصله جغرافیایی موجب جدایی ذهنی رسوب شده شد. کاستلره مانند ویلسون خود اولین خارج شونده از ابتکار خود بود: موانع داخلی و سنت های تاریخی. انزواطلبی امریکایی: دموکراسی امریکایی برای همگان خوب است؛ انزواطلبی انگلیسی: سنت های بریتانیایی به دیگران بی ربط است.



دیپلماسی

کنسرت اروپایی: بریتانیای کبیر، اتریش و روسیه

مشروعیت به عنوان اصل اساسی مترنخ نمی توانست برای همیشه زوال دائمی موقعیت جغرافیایی و سیاسی اتریش یا ناسازگاری فزاینده میان نهادهای داخلی اش و گرایش های ملی غالب این کشور را جبران کند.

فرانسه و روسیه بر سر حامی مسیحیان بودن رقابت می کردند. بریتانیا شروع به مداخله در موضوع عثمانی کرد. عثمانی با روسیه وارد جنگ شد. اتریش رویکردش را بعد از مترنخ از ایده آلیسم فاصله داد و اهرم خود را از دست داد. پروس فشار آورد و امپراتوری اتریش تمام شد.



از توجه شما ممنونم